

## تأثیر مشروعیت اجتماعی حزب‌الله لبنان بر بازدارندگی آن در مقابل رژیم صهیونیستی

سعید ساسانیان<sup>۱\*</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۵

### چکیده

این مقاله در پی یافتن نسبتی معنادار، میان مشروعیت اجتماعی یک بازیگر و توان بازدارندگی آن در مقابل رقبا و مخالفان خارجی است. فرضیه در نظر گرفته شده بر این مبنا سامان یافته که کارآمدی، موجب افزایش مشروعیت اجتماعی شده، در نهایت، فرهنگ راهبردی (استراتژیک) یک ملت را تقویت خواهد کرد؛ چنین فرهنگی نیز بر رفتارهای استراتژیک بازیگر از جمله بازدارندگی، مؤثر خواهد بود تا جایی که هر گونه اختلال در روابط بازیگر و حامیانش که موجب کاهش مشروعیت اجتماعی آن شود، در ابعاد بازدارندگی آن در مقابل دشمن خارجی تأثیرگذار واقع می‌شود.

مقاله کوشیده است، با تمرکز بر مناسبات حزب‌الله با مردم لبنان و جایگاه این مناسبات در ارزیابی راهبردی اسرائیل از حزب‌الله، میان مشروعیت اجتماعی این جنبش و توان بازدارندگی آن با تأکید بر پیامدهای بحران سوریه بر لبنان، نسبتی معنادار برقرار کند. اعمال تحریم‌های مالی و بانکی بر حزب‌الله به گونه‌ای که مردم لبنان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، از جمله طرح‌های ایالات متحده آمریکا و اسرائیل است تا کارآمدی حزب‌الله را در نظر مردم لبنان، مخدوش جلوه دهد؛ چنین طرحی در صورت تحقق، می‌تواند کارآمدی و مشروعیت اجتماعی حزب‌الله را در نظر مردم لبنان کاهش داده، زمینه مهار آن را توسط رژیم صهیونیستی فراهم سازد. روش این پژوهش، توصیفی و تحلیلی بوده و داده‌های آن نیز از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی جمع‌آوری شده است.

**واژگان کلیدی:** حزب‌الله، اسرائیل، بازدارندگی، مشروعیت اجتماعی، فرهنگ استراتژیک.

## مقدمه

بازدارندگی اگرچه همواره در مناسبات بشری وجود داشته‌است، نظریه‌پردازی (تئوری‌پردازی) و سامان‌دهی معنایی آن، پس از جنگ جهانی دوم و درخصوص توان هسته‌ای ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی صورت گرفت؛ این نظریه با عبور از نقاط عطف بین‌المللی جرح و تعدیل شد تا جایی که برخی اندیشمندان حتی در عقلانیت مشابه در دو سوی بازدارندگی که یکی از مفاهیم اصلی بازدارندگی است، تردید کرده، تحلیل شخصیت استراتژیک بازیگران را مبنای سنجش رفتار احتمالی آنان معرفی کردند (بیلیس و ویرتز، ۱۳۸۲: ۲۳۴ تا ۲۳۸)؛ اگرچه این تأکید جدید، می‌تواند روزنه‌هایی برای تعیین نسبتی معنادار، میان وضعیت داخلی بازیگران و توان بازدارندگی آنان بگشاید، همچنان به ترسیم چنین نسبتی، کمتر توجه شده‌است. این مقاله سعی کرده‌است، با بهره‌گیری از ادبیات فرهنگ استراتژیک، در آن به اجمال تعمق کرده، از سوی دیگر، نسبت چنین فرهنگی را با رفتار استراتژیک بازیگران مشخص سازد تا بتواند به این پرسش اصلی پاسخ دهد که «چه نسبتی میان مشروعیت اجتماعی داخلی یک بازیگر و توان بازدارندگی آن وجود دارد؟»؛ فرضیه در نظر گرفته شده بر این مبنا سامان یافته‌است که کارآمدی بازیگر که به‌طور عمده دولت است (و در شرایطی می‌تواند غیردولت هم باشد)، یکی از عوامل تقویت‌کننده مشروعیت اجتماعی آن محسوب می‌شود و چنین مشروعیتی می‌تواند فرهنگ استراتژیک ملت را در مسیر تعیین و تقویت رفتارهای استراتژیک بازیگر یاری‌سازد؛ لذا از آنجاکه بازدارندگی، نوعی رفتار استراتژیک محسوب می‌شود، می‌توان میان مشروعیت اجتماعی و بازدارندگی، نسبتی معنادار برقرار کرد؛ سپس مقاله کوشیده‌است، چنین منطقی را بر حزب‌الله لبنان پیاده‌ساخته، با ارزیابی کارآمدی آن در تأمین نیازهای مردم این کشور، به اثر این کارآمدی بر مشروعیت اجتماعی این جنبش و اثر چنین مشروعیتی بر توان بازدارندگی آن در مقابل اسرائیل پردازد؛ واقعیت، این است که در ادبیات امنیتی اسرائیل که از سوی مقام‌های آن طرح شده، فاصله مردم لبنان از حزب‌الله، مسئله‌ای مهم در ارزیابی راهبردی وضعیت حزب‌الله است؛ هر قدر این فاصله، کمتر باشد، امکان تغییر رفتار حزب‌الله کمتر خواهد بود و هر چه محبوبیت این جنبش در نظر مردم لبنان، کمتر باشد، امکان تحت فشار قرار دادن حزب‌الله با هدف تغییر رفتار و در نتیجه مهار و تضعیف آن، بیشتر خواهد شد. بر این اساس، مقام‌های امنیتی اسرائیل تأکید دارند که برای مهار حزب‌الله، باید این جنبش را معادل لبنان قرارداد، به مردم و دولت این کشور، چنان هزینه‌ای تحمیل کرد که مردم با فشار

اجتماعی و دولت با فشار سیاسی، فضای کنش راهبردی را برای حزب الله تنگ‌تر سازند تا در جنگ آینده، علاوه بر فشار ناشی از حملات نظامی، حزب الله از درون نیز با مخالفت‌های گسترده روبه‌رو شود.

بهره‌گیری از مؤلفه‌های قدرت نیمه‌سخت همچون تحریم‌های اقتصادی با محوربودن ایالات متحده آمریکا، یکی از مهم‌ترین ابزارهای جاری برای ایجاد فاصله میان ملت لبنان و حزب الله است که می‌تواند در نهایت به اثرگذاری بر توان بازدارندگی این جنبش منجر شود. فهم ریشه‌های مردم‌پایه الگوی بازدارندگی حزب الله در مقابل رژیم صهیونیستی می‌تواند با هدف الهام‌گیری برای سایر جنبش‌های متحد جمهوری اسلامی ایران همچون انصارالله یمن صورت‌گیرد.

### الف- مرور پیشینه پژوهش

درخصوص پیشینه پژوهش، با توجه به موضوع مقاله حاضر، پژوهش‌های صورت‌گرفته درخصوص حزب الله را می‌توان در دو دسته کلی جای‌داد: پژوهش‌هایی که به‌طور عمده بر ساختار و کارکرد داخلی این جنبش، متمرکز شده‌اند و مسائلی مانند شخصیت‌شناسی دبیرکل حزب الله و رویکردهای سیاسی و اجتماعی آن را بررسی کرده‌اند (لاو، ۱۳۹۶؛ درخشه و بگی، ۱۳۹۵؛ مرکز المسبار للدراسات والبحوث، ۲۰۱۵ و Szekely, 2012, Lob, 2014, Qassem, 2005) و پژوهش‌هایی که بیشتر با تأکید بر عناصر سخت قدرت، به بازدارندگی متقابل اسرائیل و حزب الله پرداخته‌اند (ساسانیان، ۱۳۹۷ و Eiland, 2008, Malka, 2008, Sobelman, 2017)؛ براین اساس، پژوهش‌های یادشده به موضوع مقاله حاضر، یعنی نسبت میان مشروعیت اجتماعی حزب الله و توان بازدارندگی آن و نگاه اسرائیل به چنین نسبتی، به‌خصوص با عطف به مسائل ناشی از بحران سوریه و انعکاس آن در فضای داخلی لبنان (که مرکز تمرکز این مقاله است) نپرداخته‌اند.

### ب- روش پژوهش

با توجه به اینکه برخی تحولات جدید صحنه لبنان و حزب الله (به‌طور عمده با تأکید بر پیامدهای بحران سوریه (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸)) بر فضای داخلی لبنان) در این مقاله بررسی شده‌اند، علاوه بر منابع کتابخانه‌ای، به منابع اینترنتی نیز رجوع شده و داده‌های جمع‌آوری شده با روش تحلیلی و توصیفی، در راستای تبیین نسبت میان مشروعیت اجتماعی و بازدارندگی حزب الله به کار گرفته شده‌اند.

### ج - مبانی نظری

بازدارندگی، نوعی رفتار استراتژیک: بازدارندگی، نوعی خاص از رابطه سیاسی میان واحدهای درگیر در کنش متقابل با یکدیگر است که در آن، یکی از واحدها سعی دارد بر دیگری نفوذ کند تا از این طریق، از شکل‌گیری رفتارهای نامطلوب آن جلوگیری کند (قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۷۳). از دیدگاه نظریه‌پردازان بازدارندگی، «نظم»، زمانی حفظ خواهد شد که رهبران دریابند حریفان بالقوه آنها، در صورت رخداد رفتار نامطلوب، توان و اراده تلافی را خواهند داشت؛ بنابراین در پاسخ به تجاوز بالقوه، «استراتژیست‌ها» بایستی با افزایش توانایی‌های نظامی و نشان‌دادن اراده تلافی، تهدیدهای بازدارنده را تقویت کنند (Wirz, 2004: 388). الزام به بازدارندگی برای عدم وقوع جنگ، در واقع، اصلی‌ترین تفاوت بازدارندگی با تحمیل است. در بازدارندگی، طرف مقابل متقاعد می‌شود که به دلیل ترس از پیامدهای انجام عملی، آن را انجام ندهد اما در تحمیل، طرف مقابل متقاعد می‌شود که به خاطر ترس از پیامدهای انجام‌ندادن عمل، آن عمل را انجام دهد (فریدمن، ۱۳۹۰: ۵۲).

بازدارندگی متعارف می‌تواند بر دو پایه صورت‌گیرد: ممانعت (انکار)<sup>۱</sup> و مجازات<sup>۲</sup>. در بازدارندگی بر پایه مجازات، بازیگر «الف» با تهدید می‌کوشد به بازیگر «ب» تفهیم کند که در صورت اجرای عملی خاص، به دارایی‌های ارزشمندش حمله می‌شود؛ به گونه‌ای که «ب» با محاسبه سود و زیان، از اجرای آن اقدام خاص، منصرف شود (عبدالله‌خانی، ۱۳۹۲: ۵۳۲)؛ در بازدارندگی بر پایه ممانعت، عنصر تهدید، محور اصلی نیست بلکه «الف» می‌کوشد «ب» را متقاعد کند که اگر به اقدام خشونت‌بار دست‌بزند، نمی‌تواند به اهداف سیاسی - نظامی خود دست‌یابد (عبدالله‌خانی، ۱۳۹۲: ۵۳۲).

بازدارندگی را می‌توان نوعی رفتار استراتژیک دانست. رفتار استراتژیک به اقدام‌هایی گفته می‌شود که یک بازیگر برای تأثیرگذاری بر دیگر بازیگران، در محیط کنشگری خود انجام می‌دهد؛ اگرچه در ادبیات نئورئالیست‌ها، چنین رفتاری تحت تأثیر ساختار نظام بین‌الملل قرار دارد، برخی در پی توسعه اثرپذیری رفتار استراتژیک از مؤلفه‌های دیگرند (Kocs, 1994).

**رفتار استراتژیک تحت تأثیر فرهنگ استراتژیک:** برخی تحلیلگران، از فرهنگ استراتژیک به عنوان یکی از زمینه‌های مهم تکوین رفتار استراتژیک یاد کرده‌اند. رهیافت فرهنگ استراتژیک از مفهوم گرایش فرهنگی برای تبیین (روشن یا ضمنی) این نکته استفاده می‌کند که دولت‌های متفاوت،

1 . Denial

2 . Punishment

اولویت‌های استراتژیک متفاوتی دارند و چنین اولویت‌هایی نیز از تجارب آنها، از زمان شکل‌گیری تاکنون، ریشه‌گرفته و تحت تأثیر میزانی از ویژگی‌های فلسفی، سیاسی، فرهنگی و شناختی دولت و نخبگانش است (عبدالله‌خانی، الف ۱۳۸۶: ۲۴۰).

برخی فرهنگ استراتژیک را شامل تصورها و سمبل‌هایی می‌دانند که چگونگی تعریف یک ملت از رفاه و درک آنان از امنیت را ترسیم می‌کنند (Skemperis, 2003)؛ برهمن مینا کالین‌گری<sup>۱</sup> از استراتژی، تعریفی سه‌سطحی ارائه داده است: گروه نخست، شامل «مردم، جامعه، فرهنگ، سیاست و اخلاق» است؛ گروه دوم، آمادگی برای جنگ نام‌دارد که شامل «اقتصاد، لجستیک، سازماندهی و ...» می‌شود و در گروه سوم، جنگ حقیقی قرار دارد که شامل «عملیات نظامی، فرماندهی، جغرافیا و ...» است (Gray, 1991: 53). طبق این تعریف، اگر در رفتار استراتژیک به‌طور صرف به تسلیحات پیشرفته و مسائل جغرافیایی توجه شود و در خصوص عواملی مانند رهبری ضعیف یا نامقبول بودن جنگ در کشور غفلت شود، مشکلاتی جدی پیش روی دولت‌ها قرار خواهد گرفت (عبدالله‌خانی، ب ۱۳۸۶: ۱۳۵)؛ با این فهم موسع از استراتژی، می‌توان به جایابی فرهنگ استراتژیک در رفتار استراتژیک پرداخت؛ گری در این خصوص مطرح می‌کند که فرهنگ استراتژیک بیانگر محیطی احساسی و ایستاری است که جامعه دفاعی در آن عمل می‌کند. اندیشه‌های درباره جنگ و استراتژی‌های آن، تحت تأثیر جغرافیا، عوامل فیزیکی، ایدئولوژی سیاسی و مذهبی و فناوری‌های نظامی خاصی هستند؛ بر این اساس می‌توان گفت که رفتار استراتژیکی، مانند بازدارندگی، تحت تأثیر فرهنگ استراتژیک نیز قرار دارد.

**فرهنگ استراتژیک تحت تأثیر مشروعیت اجتماعی:** فرهنگ، شامل عواملی متعدد است؛ برخی از این عوامل، ریشه‌دار بوده، در بستر تاریخ قابل بررسی‌اند؛ اما برخی دیگر به‌طور عمیق به مناسبات سیاسی و اجتماعی، وابسته بوده، امکان تولید، تکامل و نابودی آنها به‌صورت مقطعی وجود دارد. دیوید جونز<sup>۲</sup> معتقد است که سه سطح از درون داده‌ها در فرهنگ استراتژیک یک دولت وجود دارند: سطح کلان محیطی که دربرگیرنده جغرافیا، ویژگی‌های قومی - فرهنگی و تاریخی است؛ سطح اجتماعی که دربرگیرنده ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یک جامعه است و سطح خرد که شامل نهادهای نظامی و ویژگی‌های روابط مدنی - نظامی جامعه می‌شود (عبدالله‌خانی، ب ۱۳۸۶: ۱۳۸ و Jones, 1990).

1 . Colin S. Gray

2 . David R. Jones

سطح کلان محیطی به‌طور عمده ثابت است اما سطح اجتماعی به مناسبات میان دولت و ملت، وابسته است و می‌تواند بسته به کنش‌های هریک از این دو تغییر کند؛ در اینجا می‌توان از اصطلاح مشروعیت اجتماعی<sup>۱</sup> بهره‌برد. مشروعیت اجتماعی در عرصه سیاسی نوعی تعهد هنجاری است که شهروندان یک جامعه را نسبت به پذیرفتن برنامه‌ها و اقدام‌های دولت یا حکومت قانع می‌کند (Kurian, 2011: 14)؛ لذا اگر بازیگری رسمی از مشروعیت اجتماعی، بهره‌مند باشد، در تحقق برنامه‌های خود در حوزه‌های مختلف، موانعی کمتر در پیش روی خود خواهد داشت چراکه مردم نسبت به برنامه‌های آن، قانع شده، و به‌طور نسبی همراهی خواهند داشت؛ از سوی دیگر، مؤلفه‌هایی گوناگون چه در میان ملت و چه در دولت، در شکل‌گیری مشروعیت اجتماعی مؤثرند که یکی از مهم‌ترین آنها، کارآمدی<sup>۲</sup> دولت است.

تعاریفی متعدد در حوزه‌های مختلف از کارآمدی ارائه شده است. لیبست، کارآمدی را توان سیستم در تحقق کارکردهای اساسی یک حکومت می‌داند (لیبست، ۱۳۷۴: ۱۰). پژوهشی صورت‌گرفته در نسبت میان کارآمدی و مشروعیت، بر این باور است که ساختار، فرایند و اقدام‌های سیستم‌ها در صورتی کارآمد ارزیابی می‌شود که علاوه بر موفقیت در تحقق اهداف (عمل به فلسفه وجودی‌شان) و انطباق با شرایط جدید و متغیر، با کسب بالاترین سطح رضایت مردم، بقا و موجودیت خود را در درازمدت تضمین کند (شغیعی فر و قربانی، ۱۳۹۵: ۱۸۶)؛ لذا کسب رضایت مردم، به پاسخ‌گویی درخصوص نیازهای اساسی آنان، نیازمند بوده، این، در تقویت مشروعیت اجتماعی و کنشگری یک حکومت، مؤثر است و استمرار آن را تحکیم می‌بخشد؛ چنین مشروعیتی در تکوین و تکامل فرهنگ استراتژیک ملت، اثرگذار بوده، این فرهنگ در سوگیری رفتارهای استراتژیک دولت، سهم خواهد بود. **بازدارندگی تحت تأثیر مشروعیت اجتماعی:** در منابع کلاسیک درخصوص بازدارندگی، کمتر به تأثیر معادلات داخلی کشورها بر توان بازدارندگی آنها پرداخته شده است اما براساس منطقی که در بالا تشریح شد، می‌توان گفت:

- کارآمدی دولت در رفع نیازهای مردم، می‌تواند در کسب مشروعیت اجتماعی، مؤثر باشد.
- مشروعیت اجتماعی در تکوین و تکمیل فرهنگ استراتژیک مردم در مقابل تهدیدهای خارجی، اثرگذار است.

.....  
1. Social Legitimacy  
2. Effectiveness

- فرهنگ استراتژیک در سوگیری رفتار استراتژیک دولت‌ها در مقابل رقبا و مخالفان، سهمیم خواهد بود.

- یکی از مهم‌ترین رفتارهای استراتژیک دولت‌ها برای جلوگیری از جنگ، بازدارندگی است.

- لذا می‌توان کارآمدی و مشروعیت اجتماعی دولت را در توان بازدارندگی آن، مؤثر دانست. البته طبیعی است که جایابی کارآمدی و مشروعیت اجتماعی در توان بازدارندگی یک کشور، به معنای تقلیل اهمیت توان نظامی به عنوان اصلی‌ترین عامل بازدارنده در کنار مواردی از جمله انتقال پیام و معتبرسازی تهدیدها نیست.

کارآمدی و مشروعیت اجتماعی دولت و همراهی مردم با آن، می‌تواند در رویکرد بازدارندگی ممانعتی، به‌طور چشمگیرتر اثر داشته‌باشد. برخلاف رویکرد بازدارندگی مجازات‌محور که ترس از واکنش «الف»، «ب» را از حمله منصرف می‌سازد، در رویکرد ممانعتی، بازیگر «الف» می‌کوشد «ب» را متقاعد کند که اگر به اقدام خشونت‌بار دست‌بزند، نمی‌تواند به اهداف سیاسی-نظامی خود دست‌یابد؛ اگر «الف» بتواند این تلقی را برای «ب» ایجاد کند که واجد پیوندی مستحکم با مردم خود است، احتمال متقاعدسازی «ب» در خصوص عدم امکان دستیابی به اهداف سیاسی و نظامی حاصل از حمله نظامی به «الف»، بیشتر خواهد شد؛ چنین رویکردی به‌خصوص اگر «ب» در پی فروپاشی سیاسی «الف» با حمله نظامی باشد، کارکردی معنادارتر خواهد یافت؛ به همین دلیل است که گاه «ب» برای اختلال در روابط ملت و دولت «الف»، از رویکردهای نرم (به‌منظور اثرگذاری بر ذهن‌های مردم و اقناع آنان) و نیمه‌سخت (برای ناکارآمدسازی دولت با استفاده از تحریم و ...) بهره‌می‌برد تا ضمن مخدوش‌سازی کارآمدی دولت، مشروعیت اجتماعی آن و سپس فرهنگ استراتژیک ملت و سرانجام رفتار استراتژیک دولت را در مقابل خود تحت تأثیر قرار دهد.

براین اساس می‌توان میان کارآمدی و مشروعیت اجتماعی حزب الله لبنان در عرصه داخلی و بازدارندگی آن در مقابل رژیم صهیونیستی، رابطه‌ای معنادار برقرار کرد. آنچه تاکنون بیان‌شد، در خصوص بازیگری دولت‌ها در چارچوب بازدارندگی بود. حزب الله یک دولت به معنای متعارف و کهن (کلاسیک) آن نیست و به‌طور صرف در دولت لبنان مشارکت دارد؛ با وجود این، با توجه به کارکردهایی خاص که آن را فراتر از یک حزب معمولی ساخته است، به گونه‌ای که هم در حوزه داخلی، وجوه خدماتی دولت‌گونه را برعهده دارد و هم در عرصه خارجی، دفاع از لبنان و مقابله با اسرائیل را در دستور کار قرار داده است، در اینجا از آن به مثابه یک دولت یاد می‌شود.

## د- تحلیل و تبیین موضوع

### ۱- ارزیابی عملکردهای سه‌گانه حزب‌الله

حزب‌الله لبنان، نوعی جنبش اسلام‌گرای شیعه است که تأسیس آن به ابتدای دهه ۱۹۸۰ میلادی بازمی‌گردد که اسرائیل، به لبنان هجوم آورده بود؛ این جنبش اگرچه با رویکرد نظامی موجود بودن خود را اعلام کرد و نظامی‌گری، بخش غالب آن بود، در ادامه حیات خود، به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نیز به‌طور جدی ورود داشت تاجایی که اکنون به‌عنوان یک حزب فعال و اثرگذار در فضای سیاسی لبنان شناخته می‌شود؛ این حزب از لحاظ اعتقادی نیز خود را به‌صراحت تابع نظام ولایت فقیه معرفی می‌کند. مؤلفه‌هایی مختلف در ساحت‌های فرهنگی و ایدئولوژیک و همچنین در عرصه‌های عینی و کارکردی بر مشروعیت اجتماعی حزب‌الله مؤثرند اما با توجه به اینکه در این مقاله، به مشروعیت اجتماعی منبعت از کارآمدی تأکید شده است، عملکرد حزب‌الله در حوزه‌های سه‌گانه امنیتی، سیاسی و اجتماعی بررسی می‌شود.

#### ۱-۱. عملکرد امنیتی و نظامی

از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸، مهم‌ترین مسئله‌ای که امنیت ملی لبنان را در معرض خطر قرار داد، بحران سوریه بود لذا ارزیابی کارآمدی حزب‌الله لبنان، علاوه بر تهدیدهای ناشی از اسرائیل، نمی‌تواند بدون بررسی تهدیدهای ناشی از این بحران صورت گیرد.

**حزب‌الله و بحران سوریه:** با شدت یافتن اعتراض‌ها در سوریه، برخی از مردم لبنان با معترضان سوری، همدلی ابراز کردند اما با شکل‌گیری بحران امنیتی در سوریه و گسترش ناامنی‌ها در این کشور، این همدلی کاهش یافته و استدلال حزب‌الله برای ورود به معادلات میدانی سوریه در نظر آنان، معتبرتر شد (Lob, 2014). حزب‌الله در بهار سال ۲۰۱۳ به بحران سوریه وارد شد. استدلال حزب‌الله که بارها سید حسن نصرالله، دبیرکل این حزب، آن را بیان کرد، به امنیت ملی لبنان مرتبط بود: «تسلط این گروه‌ها [تکفیری‌ها] بر سوریه یا استان‌های مشخصی از سوریه (به‌خصوص این استان‌های هم‌مرز با لبنان) برای لبنان و همه لبنانیان، خطری بزرگ است؛ فقط برای حزب‌الله خطرناک نیست؛ فقط برای شیعیان لبنان، خطرناک نیست؛ برای لبنان، لبنانیان، حکومت لبنان، مقاومت لبنان و همزیستی حاکم بر لبنان، خطرناک است» (العلاقات الاعلامیه فی حزب‌الله، ۲۵ میو ۲۰۱۳)؛ با وجود این، او درخصوص ضرورت بی‌طرفی لبنان و مصون‌نگه‌داشتن آن از بحران سوریه خطاب به مخالفان گفت که شما زودتر



از حزب الله به سوریه وارد شده‌اید، لذا آنجا می‌جنگیم اما لبنان را بی‌طرف، باقی بگذارید (العلاقات الاعلامية فی حزب الله، ۲۵ مایو ۲۰۱۳)؛ البته حزب الله علاوه بر این استدلال‌های ملی، از استدلال‌های ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی مرتبط با محور مقاومت ضد رژیم صهیونیستی نیز بهره‌می‌برد (Tokmajyan, 2014)؛ اما در عرصه داخلی لبنان، حزب الله به‌طور عمده، به رویکرد ملی‌گرایانه تأکید داشت.

بحران سوریه اگرچه زمینه‌های ناامنی را در برخی مناطق لبنان فراهم ساخت اما این کشور، آنچه را در سوریه می‌گذشت، تجربه نکرد. حزب الله با استدلال‌های ملی خود، توانست کارآمدی امنیتی خود را به‌خصوص برای مسیحیان<sup>۱</sup> به‌اثبات رسانده، خود را در مقام مدافع لبنان، در نظر آنان برجسته‌سازد (Choucair, 2016). رویکرد مثبت میشل عون و جریان آزاد ملی لبنان به‌عنوان بزرگ‌ترین جریان مسیحی در لبنان به حزب الله، در این خصوص قابل توجه است (Shebaya, 2017) اگرچه این همسویی از پیش از بحران سوریه نیز وجود داشته‌است.

دیگر اقدام حزب الله در جلوگیری از تسری بحران سوریه به لبنان، در درون مرزهای لبنان جریان‌یافت. وقتی مناطق عرسال و قلمون در مرزهای لبنان با سوریه، مورد تهاجم و اشغال گروه‌هایی مانند جبهه النصره (شاخه القاعده در سوریه) و داعش قرار گرفت، حزب الله در مقام دفاع از تمامیت ارضی لبنان قرار گرفته، بمثابه نوعی جنبش ملی مقاومت عمل کرد. پس از پیروزی در عرسال، نصرالله در یک سخنرانی، این پیروزی را به عموم مردم لبنان هدیه کرد؛ هواداران حزب الله، پرچم‌های این جنبش را از حساب‌های کاربری‌شان در شبکه‌های اجتماعی حذف کرده، پرچم‌های لبنان را با آن جایگزین کردند تا پیروزی در عرسال را رخدادی ملی معرفی کنند و رسانه‌های حزب الله، تصاویر و ویدئوهایی درخصوص حمایت حزب الله از ملت و دولت لبنان منتشر کردند (المصری و کوربای، ۲۰۱۷)؛ این کارآمدی امنیتی و نظامی حزب الله درحالی‌که ارتش ملی لبنان به دلیل ضعف لجستیکی و ملاحظات سیاسی بازیگران داخلی این کشور، توان دفاع مؤثر از لبنان را دارا نیست، زمینه ترمیم وجهه حزب الله را میان بخش‌هایی از مردم که از ورود نظامی این جنبش به بحران سوریه

۱. عمده مسیحیان لبنان، به دلیل ترس از تکرار رفتارهای اسلام‌گرایان افراطی با غیرمسلمانان که در سوریه و عراق رخ داد، زمینه همدلی با اقدام‌های حزب الله در سوریه را دارا بودند. براساس یک نظرسنجی، مسیحیان بیشتر از شیعیان و سنی‌ها از گسترش خشونت‌های ناشی از سوریه به لبنان واهمه‌داشته‌اند (Pew Research Center, 2013).

رضایت نداشتند، فراهم ساخت.

**حزب‌الله و اسرائیل:** اگرچه به نظر می‌رسد، حزب‌الله به دلیل مشارکت میدانی در بحران سوریه، تاحدی از لحاظ نیروی انسانی و تمرکز بر اسرائیل، به ضعف، دچار شده‌باشد اما این جنبش با طرح راهبردهای عملیاتی و فراگرفتن تجارب راهبردی (تاکتیکی) همراه با تقویت قدرت موشکی و تسلیحاتی توانسته‌است، الگوی بازدارندگی نامتعارف خود را در مقابل رژیم صهیونیستی، توسعه و آن را متناسب با شرایط جدید سامان دهد.

عدم وقوع جنگ میان حزب‌الله و اسرائیل از سال ۲۰۰۶ و به‌طور مشخص از آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ تاکنون، می‌تواند نشانه‌ای از موفقیت الگوی بازدارندگی حزب‌الله قلمداد شود؛ اگرچه عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دیگری نیز در آن مؤثرند (ساسانیان، ۱۳۹۷: ۵۸)؛ براین اساس، حزب‌الله توانسته‌است با درس‌هایی که از نبرد سال ۲۰۰۶ با اسرائیل گرفته‌است (Sobelman, 2017)، قدرت بازدارندگی خود را توسعه داده، از حمله اسرائیل به لبنان جلوگیری شود؛ چنین دستاوردی در میان آن بخشی از جامعه لبنان، چه شیعه، چه سنی و مسیحی (با نسبت‌های مختلف) که اسرائیل را به‌عنوان یک دشمن می‌پندارند، زمینه‌ساز تقویت نگاه مثبت به حزب‌الله می‌شود.

## ۲-۱. عملکرد سیاسی

رقابت‌های سیاسی در لبنان، به‌طور عمده خارج از ساختار هویتی متنوع این کشور صورت نمی‌گیرد. تنوع دینی و مذهبی در این کشور و نسبت آن با عرصه سیاست و توزیع مسئولیت‌ها که براساس قرارداد طائف در سال ۱۹۸۹ به رسمیت شناخته شده‌است، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های شکل‌بندی جناح‌های سیاسی است؛ حزب‌الله به این دلیل، ناچار است تا در کنش‌های خود، علاوه بر ملاحظات خارجی، مسائل داخلی را نیز مدنظر قرار دهد لذا سیاست‌ورزی آن در جامعه رقابتی میان مذاهب و ادیان در لبنان از ویژگی‌های خاصی بهره‌مند بوده‌است که سبب شده تا علاوه بر تداوم و تقویت حیات حزبی این جنبش، کنشگری آن در سطح ملی و منطقه‌ای معنادار و مؤثر باشد. مؤلفه‌های موجود در عملکرد حزب‌الله در سیاست داخلی لبنان، متنوع است اما می‌توان به دو رویکرد اصلی در این خصوص اشاره کرد:

**ائتلاف‌گرایی حزبی:** حزب‌الله در فرایندهای سیاسی لبنان، چه انتخابات‌ها و تعیین برخی مسئولان اساسی همچون رئیس‌جمهور کوشیده‌است تا در چارچوبی وسیع و به‌دور از رویکردهای تنگ‌نظرانه

و معطوف به مصالح کلان خود و لبنان، به ائتلاف با سایر گروه‌ها پردازد؛ حزب الله در این مسیر، بر تشابه‌های رفتاری اصراری ندارد و به‌طور صرف به مسائل کلان همچون وفاداری به سه‌گانه «ارتش، ملت، مقاومت» و عدم تمایل به اسرائیل بهامی دهد؛ براین اساس، گروه‌های متحد با این جنبش اگرچه با اسرائیل، مخالف هستند اما از شدت ضدیت حزب الله با این رژیم برخوردار نیستند؛ آنها حتی در برخی مسائل داخلی با حزب الله اختلاف نظرهایی گاه جدی نیز دارند؛ «جریان ملی آزاد لبنان» (تیار الحر الوطنی) به رهبری میشل عون، یکی از این گروه‌هاست؛ سند تفاهم سیاسی میان حزب الله و این جریان در فوریه ۲۰۰۶ و در شرایطی ایجاد شد که رفیق حریری، نخست‌وزیر فقید لبنان ترور شده، جریان ۱۴ مارس با قدرت در پی کسب انحصاری ابتکار عمل سیاسی بود؛ این تفاهم توانست حزب الله را از نزدیک شدن به فضای انزوای سیاسی دور ساخته، دستاوردهایی کم‌نظیر برای آن داشته باشد (سلیمانی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۰۷).

نیاز متقابل حزب الله و جریان ملی آزاد لبنان به یکدیگر حتی تحت تأثیر بحران سوریه نیز قرار نگرفت و این در حالی بود که عون، همواره نسبت به خاندان / اسد، نگاه منفی داشت<sup>۱</sup> اگرچه طی بحران، از اتخاذ مواضع صریح و رادیکال ضد بشار / اسد پرهیز کرد؛ این همراهی، حتی در سال‌های بحران سوریه نیز به‌اوج رسید؛ درحالی که لبنان دو سال و نیم بدون رئیس‌جمهور بود، حزب الله از همان ابتدا بر سر عهد خود با میشل عون برای نامزدی وی به‌منظور احراز پست ریاست‌جمهوری باقی ماند و اختلاف‌های تاریخی نیبه بری، رئیس‌جنش امل و متحد سنتی و راهبردی حزب الله با عون نیز نتوانست در همراهی حزب الله با جریان ملی آزاد لبنان خللی ایجاد کند؛ در نهایت نیز عون در سال ۲۰۱۶ به ریاست‌جمهوری رسید و حزب الله از ثمرات همراهی با بزرگ‌ترین جریان مسیحی لبنان، بهره‌مند شد. حزب الله تلاش کرده‌است تا با توجه به واقعیت‌های سیاسی لبنان از فرصت‌های موجود، بیشترین بهره را ببرد. همراهی با عون و وفادار ماندن به او درحالی که او نیز ملاحظات حزب الله را پذیرفته‌است، در عمل بخشی عمده از مسیحیان لبنان را به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم با حزب الله همراه ساخته‌است.

**تصویرسازی ملی:** حزب الله می‌کوشد، علاوه بر کنشگری در مواجهه با تهدیدهای امنیتی و نظامی،

.....  
۱. یکی از شرط‌های حافظ اسد در سال ۱۹۹۰، برای همراهی با آمریکا جهت مشارکت در حمله به نیروهای بعثی اشغال‌کننده کویت، سرکوب میشل عون نخست‌وزیر وقت لبنان بود.

در عرصه سیاست داخلی نیز وجهه خود را به‌طور عمیق ملی تصویرسازی کند لذا بیشتر بر گزاره‌های ملی‌گرایانه تأکید داشته، ضمن کسب حمایت بیشتر از سوی حامیان سنتی خود، در پی جذب همراهی حامیان دیگر گروه‌ها یا دست‌کم، عدم دشمنی آنها با خود است لذا در دستگاه تعیین اولویت حزب‌الله، مسائل ملی، بسیار اهمیت دارد؛ در این خصوص، نمونه‌هایی فراوان قابل‌بیان کردن است اما یکی از رویدادهای اخیر که موجب بحران سیاسی در لبنان شده، رویکرد ملی‌گرایانه حزب‌الله در میانه آن، برجسته بود، در ادامه تشریح می‌شود.

در بحران ناشی از استعفای سعد حریری، نخست‌وزیر وقت لبنان در نوامبر سال ۲۰۱۷، حزب‌الله عملکردی معنادار داشت. حریری درحالی‌که به دعوت مقام‌های عربستان سعودی به این کشور رفته بود، طی فیلمی ویدئویی، به جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله حمله کرده، این جنبش را عامل مشکلات لبنان معرفی کرد؛ درحالی‌که چنین اقدامی از سوی یکی از اصلی‌ترین رقبای حزب‌الله صورت گرفته بود و زمینه برای تسویه حساب‌های سیاسی فراهم بود؛ اما حسن نصرالله، رویکردی متفاوت را در پیش گرفت. تحلیل محتوای سخنرانی او که مختص این استعفا صورت پذیرفت (العلاقات الاعلامیه فی حزب‌الله، ۵ نوامبر ۲۰۱۷)، نشان‌دهنده تلاش حزب‌الله برای مواجهه با این مسئله، نه در قالب رقابت‌های حزبی بلکه در سطحی ملی است. مهم‌ترین محورهای سخنرانی نصرالله به شرح زیر است:

- منشأ بحران، عربستان است نه نخست‌وزیر حریری.
- تکریم حریری به‌عنوان نخست‌وزیر رسمی کشور.
- موافقان و مخالفان داخلی حریری اکنون در حمایت از او هم‌نظر هستند.
- طرف بحث حزب‌الله، عربستان است نه جریان‌های داخلی.
- نگرانی برای وضعیت و سلامت حریری، نوعی نگرانی ملی است.
- ضروری است، همگان آرامش، صبر و حفظ امنیت و همزیستی لبنان را مدنظر داشته‌باشند.
- امنیت، ارزشمندترین دارایی لبنان در این منطقه ناامن است.

این مواضع در شرایطی که حتی حامیان جریان مستقل نیز از رفتار حریری سرخورده شده بودند، تلاش برای برجسته‌سازی نگاه ملی حزب‌الله و جلوگیری از ایجاد بحران داخلی در این کشور تلقی می‌شد و این در حالی است که اگر حزب‌الله در مسیر رقابت‌ها و تسویه حساب‌های حزبی با المستقبل گام‌برمی‌داشت، امکان قطبی‌سازی جامعه لبنان و افزایش واگرایی مدنی از حزب‌الله

تقویت می‌شد.

در مجموع می‌توان گفت که این جنبش، ضمن حفظ توان نظامی خود کوشیده‌است به یک کنشگر سیاسی برجسته در لبنان تبدیل‌شده، دغدغه‌های حزبی خود را با مسائل ملی، تلفیق و نفوذ سیاسی بیشتری کسب‌کند و در نهایت در فضایی گسترده‌تر در لبنان به ایفای نقش پردازد (Szekely, 2012: 122).

### ۱-۳. عملکرد اجتماعی

تأکید بر بخش خدمات اجتماعی در ساختار حزب‌الله که برخی معتقدند حجمی مهم از بودجه این جنبش به آن اختصاص داده‌می‌شود (لاو، ۱۳۹۶: ۶۱)، نشان‌دهنده اهمیت همراه‌سازی مردم لبنان با خود در رویکردهای حزب‌الله است؛ این بخش به‌عنوان یک بازوی برابر با بخش‌های سیاسی و امنیتی عمل می‌کند. گروه جهاد سازندگی البناء، سازمان بهداشت اسلامی، بنیاد شهدا، انجمن زنان، مؤسسه قرض الحسنه و ... از جمله مراکز این بخش هستند (مرکز المسبار للدراسات والبحوث، ۲۰۱۵)؛ شیخ نعیم قاسم، معاون دبیرکل حزب‌الله درخصوص این بخش گفته‌است: «از آنجاکه حزب برای دستیابی به مسئولیت اجتماعی مشترک، پاسخ‌گویی به نیازهای فوری و ایجاد برنامه‌های سودمند کارکرده‌است، هیچ‌یک از جنبه‌های کمک به فقرا را نادیده‌نگرفته و چنین کاری به‌سادگی وظیفه حزب تلقی شده‌است» (Qassem, 2005).

علاوه‌بر ملاحظات انسانی، دو مسئله در اتخاذ چنین رویکردی از سوی حزب‌الله مؤثر واقع شده‌اند: نخست اینکه حزب‌الله برای بقای خود چه در مقابل اسرائیل و چه در معادلات داخلی لبنان، به جذب افکار عمومی نیازمند است و دوم اینکه به دلیل ماهیت به‌طورعمده ضعیف دولت در دوره‌های مختلف، امکان کمک‌رسانی به مردم مناطق مختلف (به‌خصوص مناطق شیعه‌نشین) از سوی نهادهای دولتی، کمتر وجود دارد؛ درواقع، حزب‌الله با شناخت چنین ضعفی، خود در پی جانشینی بخشی از نقش خدماتی دولت برآمد و به همین دلیل، حتی به کسانی که دین در زندگی آنها مؤلفه‌ای اثرگذاری نیست هم، خدمات ارائه‌می‌کند (المدهون و زولیش، ۲۰۰۷).

بخش خدمات اجتماعی حزب‌الله از واحدهایی متعدد تشکیل‌شده که برخی از آنها به‌اختصار می‌آیند: «جهاد البناء» بر دو مسئله اساسی متمرکز شده‌است: فعالیت‌های عمرانی و کشاورزی؛ این واحد البته براساس نیاز مردم، در حوزه آب‌رسانی و برق‌رسانی، از میان‌بردن زباله‌ها و ... نیز فعال

است؛ مؤسسه «قرض الحسن» درخصوص ارائه وام‌های قرض‌الحسنه به مردم نیازمند، فعال است (العرب، ۲۴ ژوئن ۲۰۱۵)؛ جمعیت «الإمداد الخيرية الإسلامية» برای کمک به خانواده‌های نیازمند به منظور نگهداری از معلولان، یتیمان و ... ایجاد شده‌است؛ حزب‌الله همچنین بنیادی برای ساخت مدارس در مناطق مختلف لبنان تأسیس کرده‌است و علاوه بر اینها در حوزه ورزشی و فرهنگی نیز مؤسساتی فعال دارد (عبدالعاطی، ۲۰۱۴).

## ۲. ارزیابی مشروعیت اجتماعی حزب‌الله

آنچه درخصوص عملکردهای سه‌گانه حزب‌الله در حوزه‌های امنیتی و نظامی، سیاسی و اجتماعی بیان شد، در مشروعیت اجتماعی این جنبش در سطح لبنان، مؤثر واقع شده‌است؛ درواقع اگرچه کارآمدی، تنها مؤلفه مؤثر بر چنین مشروعیتی نیست، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که زمینه پذیرش و همراهی نسبی با حزب‌الله را در میان شیعیان و غیرآنها فراهم می‌سازد. تصویرسازی از خود به‌عنوان مدافع ملت لبنان در مقابل تکفیری‌ها و اسرائیل، دغدغه‌مندی برای منافع ملی و سیاست‌ورزی فرا حزبی در مسائل اساسی کشور و تلاش برای توسعه حمایت‌های خدماتی و خیریه‌ای به غیرشیعیان از جمله مواردی است که در مشروعیت اجتماعی حزب‌الله مؤثر بوده‌است. به دلیل محدودیت‌های پژوهشی و نبود پژوهشی مستقل و میدانی که به‌صورت مستقیم به بررسی اثر کارآمدی حزب‌الله بر مشروعیت اجتماعی آن در فضای داخلی لبنان پرداخته‌باشد، در ادامه سعی شده تا برخی شاخص‌ها که به فضای موضوعی مقاله نزدیک بوده، از آنها می‌توان مشروعیت اجتماعی حزب‌الله را با عطف به کارآمدی آن فهم کرد، تشریح شوند.

### ۲-۱. بحران سوریه و انتخابات پارلمانی لبنان

بحران سوریه به دلیل تصویرسازی طائفی از آن از سوی بازیگران رقیب، جایگاه اجتماعی جنبش حزب‌الله در لبنان و جهان عرب را تحت تأثیر قرارداد. اگرچه مسیحیان به دلیل مشاهده وضعیت ناامن هم‌کیشان خود در عراق و سوریه، به‌طور عمده به مخالفت جدی با حزب‌الله روی نیاورده، حتی گاه، همراهی‌هایی معنا دار نیز نشان دادند، اهل سنت لبنان، از لحاظ اجتماعی در مسیر واگرایی بیشتر از حزب‌الله قرار گرفتند (Salem, 2014)؛ از سوی دیگر، ناکارآمدی رهبران اهل سنت لبنان در پاسخ‌گویی به برخی نیازهای آنان، به رشد سلفی‌گری در لبنان کمک کرده (Lefevre, 2018) و فضای اجتماعی را برای حزب‌الله نسبت به سال‌های پس از جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ تنگ‌تر کرده، مشروعیت اجتماعی

آن را با تهدیدهایی مواجه ساخت.

نگاهی به برخی نظرسنجی‌های صورت گرفته درخصوص محبوبیت حزب الله در سال‌های ۲۰۱۰ (پیش از بحران) و ۲۰۱۴ (دو سال پس از ورود حزب الله به بحران سوریه) نیز تأییدکننده کاهش محبوبیت حزب الله در میان اهل سنت و افزایش آن نزد مسیحیان است (Pew Research Center, 2010 & 2014). با تشدید بحران در سوریه، ورود حدود دو میلیون آواره سوری به لبنان و اشغال بخشی از مناطق لبنان توسط گروه‌های داعش و جبهه النصره، مسئله امنیت برای مردم لبنان بیشتر از گذشته برجسته شد؛ در چنین شرایطی، حزب الله تلاش کرد تا در حوزه امنیتی، خود را در مقام مدافع لبنان، معرفی و حضورش در سوریه و مناطق اشغالی لبنان را برای تأمین امنیت ملی لبنان تصویرسازی کند لذا پیام‌های ملی‌گرایانه، پس از هر پیروزی بر تروریست‌ها، در مناطق اشغالی لبنان، در رسانه‌های حزب الله و هوادارانش محور قرار گرفت (المصری و کوربای، ۲۰۱۷).

در چنین فضایی، حزب الله با رویکرد ترمیم وجهه ملی خود، به رقابت‌های انتخاباتی بهار ۲۰۱۸ وارد شد؛ در واقع این انتخابات یک نظرسنجی بزرگ برای بررسی محبوبیت حزب الله و متحدانش نزد مردم لبنان بود؛ شعار حزب الله در این انتخابات، برخلاف شعارهای برخی احزاب و جریان‌های دیگر، ماهیتی ملی داشت؛ «حمایت می‌کنیم و می‌سازیم» و این در حالی بود که یکی از احزاب رقیب حزب الله، یعنی قوات اللبنانیه به رهبری سمیر جعجع، این شعار را برگزیده بود: «دولت می‌خواهیم نه دولت کوچک» که [با این شعار] به‌طور مشخص در پی تخریب و انکار حزب الله بود؛ یک عضو شورای سیاسی دوازده نفره حزب الله درخصوص شعار این جنبش گفته است ما در دو خط موازی حرکت می‌کنیم؛ حفاظت از لبنان و بازسازی این کشور و میان مسلمانان و مسیحیان، کلیسا و مسجد هیچ تفاوتی قابل نیستیم (دویچه‌وله، ۱۸ می ۲۰۱۸)؛ در نهایت اما نتایج انتخابات نشانگر پیروزی حزب الله و متحدانش بود:

- حزب الله و متحدان سنتی‌اش در جریان ۸ مارس، به‌طور تقریبی ۳۸ کرسی کسب کردند و بدون احتساب امکان هم‌گرایی گروه‌های دیگر در پارلمان، می‌توان آنها را بزرگ‌ترین ائتلاف پارلمان نامید.
- فهرست جریان ملی آزاد لبنان به رهبری میشل عون، که باز هم ثابت کرد در میان مسیحیان حائز اکثریت است توانست ۲۹ کرسی پارلمان را از آن خود کند؛ این جریان اگرچه در برخی مسائل با حزب الله اختلاف نظر دارد، در مسئله راهبردی مقاومت در مقابل اسرائیل، با این جنبش هم‌نظر

است.

- با توجه به حضور جریان ملی آزاد در ائتلاف ۸ مارس و همچنین سایر گروه‌ها، می‌توان گفت که این ائتلاف، ۶۷ کرسی را از آن خود کرده‌است لذا بیش از نیمی از اعضای پارلمان از خط کلان مقاومت حمایت می‌کنند.
  - درمقابل اما در جریان ۱۴ مارس، حزب المستقل به رهبری سعد حریری با ازدست‌دادن ۱۴ کرسی، به ۲۱ کرسی بسنده‌کرد؛ حزب قوات اللبانیه به رهبری سمیر جعجع با پیشرفت ۷ رقمی به ۱۴ کرسی دست‌یافت.
- این نتایج، آشکارا با تحلیل‌هایی که معتقد بودند حزب‌الله به دلیل ورود به بحران سوریه، محبوبیت خود را در لبنان ازدست‌داده، تناقض دارد. عملکرد امنیتی و نظامی حزب‌الله در قبال بحران سوریه و جلوگیری از تسری این بحران به لبنان، توان بازدارندگی که از حمله اسرائیل به لبنان جلوگیری کرد و عملکرد سیاسی ملی‌گرایانه در مسئله استعفای سعد حریری و سایر موارد دیگر مانند اصلاح قانون انتخابات، از جمله مواردی هستند که در تبیین پیروزی حزب‌الله در انتخابات پارلمانی مؤثرند؛ از سوی دیگر، مزایای سیاسی داشتن خدمات اجتماعی در موفقیت حزب‌الله در انتخابات‌ها منعکس شده‌است. بیشتر برنامه‌ها در مبارزات انتخاباتی حزب‌الله برای انتخابات شهرداری و پارلمان با محور خدمات اجتماعی است (Alagha, 2006: 281-282).

## ۲-۲. نگاه مردم لبنان به ایران

گزارش «شاخص‌های عربی ۲۰۱۸»، ششمین گزارش از نظرسنجی سالانه‌ای است که «مرکز عربی پژوهش‌ها و مطالعات سیاسی»<sup>۱</sup> مستقر در قطر منتشر کرده‌است. عملیات میدانی گزارش فعلی از دسامبر ۲۰۱۷ تا آپریل ۲۰۱۸ در یازده کشور عربی (یعنی عربستان سعودی، کویت، عراق، اردن، فلسطین، لبنان، مصر، سودان، تونس، مغرب و موریتانی) اجرا شده و بیش از ۱۸۸۳۰ نفر را در کشورهای بالا پوشش داده‌است؛ این پژوهش پیمایشی در لبنان، میان ۱۵۰۰ نفر و از ۹ ژانویه تا ۱۹ فوریه ۲۰۱۸ صورت گرفته‌است و از این منظر، داده‌های آن تازگی دارند؛ از سوی دیگر با توجه به اینکه عزمی بشاره، جامعه‌شناس، سیاست‌مدار و عضو پیشین کنیست اسرائیل و از فلسطینی‌های ۱۹۴۸ (که پیش‌تر به اتهام دادن اطلاعات به حزب‌الله لبنان، رژیم صهیونیستی، وی را تعقیب کرده‌بود)، ریاست

۱. مرکز العربی للأبحاث ودراسة السياسات



این مرکز را برعهده دارد، می توان این مرکز و خروجی هایش را مستقل از اردوگاه رسانه ای و محتوایی عربستان سعودی تلقی کرد، اگرچه همسو با مجموعه رسانه ای الجزیره قطر است.

یکی از گزاره های موجود در این گزارش که می تواند در فهم میزان مشروعیت اجتماعی حزب الله و تغییرهای آن، مؤثر باشد، میزان نگاه منفی به ایران در لبنان است. ۵۱ درصد جامعه آماری در لبنان نسبت به سیاست خارجی ایران نگاهی مثبت و تاحدی مثبت داشته اند؛ نگاه های منفی نیز از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ به شرح زیرند:

**میزان نظرات منفی و تاحدی منفی جامعه آماری در لبنان نسبت به سیاست خارجی ایران در منطقه**

۲۰۱۷/۲۰۱۸	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴
۴۸ درصد	۶۳ درصد	۶۰ درصد	۵۴ درصد

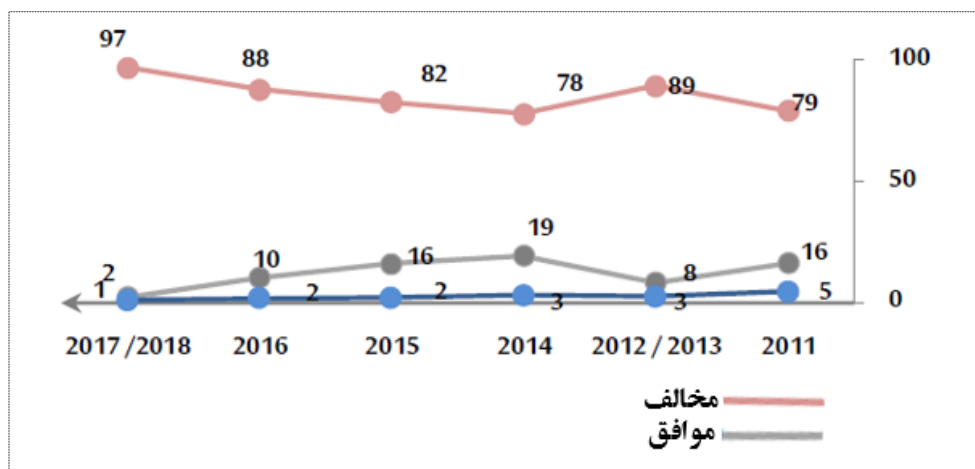
(منبع: مرکز العربی للأبحاث ودراسة السياسات، ۲۰۱۸)

با توجه به اینکه در لبنان برای همگان، حزب الله به عنوان بازیگری متحد با ایران شناخته می شود، می توان با تسامح، نتایج جدول بالا را برای حزب الله نیز تاحدی معتبر دانست؛ به خصوص که فاصله نتیجه نظرسنجی در سال ۲۰۱۶، با افتی قابل توجه در سال ۲۰۱۸ همراه بوده، موجب می شود تا با احتساب ضریب خطای ناشی از همسان تلقی کردن حزب الله و ایران، باز هم این همسانی، معنادار باشد؛ براین اساس می توان گفت که به صورت نسبی، نگاه های منفی به حزب الله در سال ۲۰۱۸، به کاهش، دچار شده و از آن سو، حدود نیمی از جامعه آماری نسبت به حزب الله، دارای نگاه مثبت و تاحدودی مثبت بوده اند؛ چنین برآوردی با نتایج انتخابات نیز هماهنگی منطقی داشته، به معنای پذیرش همراهی با رویکردها و برنامه های کلان حزب الله از سوی بخشی مهم از مردم لبنان است.

**۳. ارزیابی جایگاه اسرائیل در فرهنگ استراتژیک مردم لبنان**

اگر در تعریف فرهنگ استراتژیک، به آن رویکردی استناد شود که چنین فرهنگی را شامل تصویرها و سمبل هایی می داند که چگونگی تعریف یک ملت از رفاه و درک آنان از امنیت را ترسیم می کند (Skemperis, 2003)، در چارچوب موضوع مقاله حاضر، نگاه مردم لبنان به رژیم صهیونیستی می تواند محل تمرکز باشد. با توجه به اینکه اصلی ترین و شاخص ترین گروه مقاوم در مقابل اسرائیل در لبنان، حزب الله است، رابطه ای دوسویه میان مردم و حزب الله در موضوع اسرائیل می تواند شکل بگیرد؛ نگاه منفی مردم به اسرائیل می تواند یکی از عوامل نزدیک تر شدن آنها به حزب الله

باشد و از سوی دیگر، نگاه مثبت مردم به حزب الله می‌تواند زمینه انزجار از اسرائیل را فراهم‌سازد؛ البته در عالم واقع، ترکیبی از این دو در جهت‌گیری مردم نسبت به حزب الله و اسرائیل مؤثر خواهد بود لذا مشروعیت اجتماعی حزب الله با احتساب عوامل دیگر، یکی از مؤلفه‌هایی خواهد بود که در فرهنگ استراتژیک بخش‌هایی از مردم نسبت به اسرائیل، مؤثر واقع می‌شود؛ اگرچه پژوهشی مستقل و وثیق در این خصوص وجود ندارد، برای بررسی فرهنگ استراتژیک مردم لبنان نسبت به اسرائیل، می‌توان با استناد به گزارش «شاخص‌های عربی ۲۰۱۸»، به داده‌هایی معنادار دست یافت.



#### نظریات مردم لبنان در قبال پذیرش احتمالی اسرائیل به‌عنوان یک دولت مشروع از سوی دولت لبنان

(منبع: مرکز العربی للأبحاث ودراسة السياسات، ۲۰۱۸)

براساس نمودار بالا، از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸، روند مخالفت مردم لبنان با پذیرش احتمالی اسرائیل به‌عنوان دولتی مشروع از سوی دولت لبنان، روبه‌افزایش بوده تاجایی که در ابتدای سال ۲۰۱۸ به بالاترین رقم در میان یازده کشور ارزیابی‌شده یعنی [رقم] ۹۷ رسیده است. دلایل مخالفت جامعه آماری در لبنان با پذیرش اسرائیل هم قابل توجه است؛ ۳۶.۴ درصد، دلیل اصلی خود را اشغال‌شدن فلسطین توسط اسرائیل می‌دانند؛ ۱۷.۳ درصد معتقدند اسرائیل تلاش می‌کند تا سیطره و اشغالگری خود را به سایر سرزمین‌های جهان عرب توسعه دهد و ۱۵.۵ درصد هم بر این باورند که اسرائیل، بازیگری تروریستی بوده، از تروریسم حمایت می‌کند.

اگر دلایل صریح دینی را که از سوی حزب الله به‌طور عمده برای مسلمانان و به‌صورت خاص برای

شیعیان طرح می‌شود، در نظر نگیریم، سه دلیل یادشده از اصلی‌ترین دلایلی است که در خصوص مردم لبنان، حزب الله بر آنها تأکید دارد.

دیگر پرسشی که در این گزارش می‌تواند بیانگر جایگاه مخالفت با اسرائیل در فرهنگ استراتژیک مردم لبنان باشد، نوع نگاه به قضیه فلسطین است؛ بررسی چهار گزارش اخیر مرکز عربی پژوهش‌ها و مطالعات سیاسی نشان‌دهنده آن است که در سال ۲۰۱۸ نسبت به سال ۲۰۱۴، حدود ۳۰ درصد به کسانی که قضیه فلسطین را به تمامی اعراب، مربوط دانسته‌اند، نه فقط فلسطینی‌ها افزوده شده است؛ چنین تغییری به معنای آن است که ظرفیت مشارکت‌کنندگان برای احقاق حقوق فلسطینی‌ها و مقابله با اسرائیل، بیشتر شده است، اگرچه فعال‌سازی چنین ظرفیتی، به عواملی متعدد نیاز دارد.

#### افکار عمومی لبنان: قضیه فلسطین، مختص فلسطینی‌هاست یا تمامی اعراب؟

۲۰۱۷/۲۰۱۸	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	
۸۰	۶۹	۶۷	۵۲	تمامی اعراب
۱۳	۲۵	۲۸	۳۶	فلسطینی‌ها

(منبع: مرکز العربی للأبحاث ودراسة السياسات، ۲۰۱۸)

یافته‌های بالا نشان می‌دهند که نگاه به اسرائیل در فرهنگ استراتژیک مردم لبنان، تقابلی‌تر شده، چنین فرهنگی، لبنانی‌های بیشتری را دربر گرفته است؛ چنین یافته‌ای از آنجاکه هم‌زمان با افزایش مشروعیت اجتماعی حزب الله لبنان است، می‌تواند نسبت به آن، اثرگذار/ اثرپذیر باشد. تحلیل و بررسی عملکرد اسرائیل طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که این رژیم، اقدام تهاجمی خسارت‌باری که به آسیب‌رسانی به مردم لبنان منجر شود، مرتکب نشده است لذا برای یافتن دلیل تقویت نگاه منفی مردم لبنان به اسرائیل، استناد به عملکرد تهاجمی مستقیم این رژیم، نمی‌تواند تبیینی دقیق ارائه دهد؛ به همین دلیل، احتمال اینکه کارآمدی‌های حزب الله در عرصه داخلی و برجستگی عنصر «مقاومت» در آن، بر تشدید نگاه منفی مردم لبنان به اسرائیل، مؤثر بوده باشد، افزایش می‌یابد؛ اما واقعیت، این است که اثبات دقیق اثرگذاری/ اثرپذیری این دو متغیر، به پژوهش‌های میدانی و پیمایشی منسجم در صحنه داخلی لبنان، نیازمند است که تلاش‌های نگارنده در یافتن چنین پژوهش‌هایی با عطف به عنصر تازگی (۲۰۱۸) به سرانجام نرسید و از سوی دیگر، امکان انجام چنین پژوهشی نیز برای وی، فراهم نیست لذا با تسامح و مبتنی بر برخی واقعیت‌ها می‌توان گفت که مشروعیت اجتماعی حزب الله، دست‌کم یکی از عوامل مؤثر بر تشدید نگاه منفی به اسرائیل در فرهنگ استراتژیک مردم لبنان است؛ اینکه اسرائیل نیز

همین گونه به رابطه میان این دو متغیر می‌نگرد، این رابطه را در چارچوب موضوع مقاله، پذیرفتنی تر و ضعف روشی آن را کم‌اثرتر می‌سازد.

#### ۴. نسبت مشروعیت اجتماعی حزب‌الله و توان بازدارندگی آن در نگاه اسرائیل

براساس آنچه آمد، مشروعیت اجتماعی حزب‌الله پس از اثرپذیری از بحران سوریه، با اقدام‌هایی در حوزه‌های امنیتی، سیاسی و اجتماعی، درنهایت با برگزاری انتخابات پارلمانی تاحدی بازیابی شد؛ چنین دستاوردی به معنای تقویت نسبی پیوند ملت لبنان و حزب‌الله بوده، درنهایت می‌تواند با توجه به ملاحظات ساختاری ناشی از حضور پر قدرت تر حزب‌الله در پارلمان و همچنین همراهی اجتماعی بیشتر با این جنبش، رفتار استراتژیک آن را در مقابل اسرائیل تقویت کرده، گزینه‌های این رژیم را برای مواجهه با حزب‌الله تحت تأثیر قرار دهد؛ در این میان، فهم نگاه برخی مقام‌های رژیم صهیونیستی درخصوص رابطه ملت لبنان با حزب‌الله، می‌تواند به جایگاه نقش‌آفرینی داخلی حزب‌الله لبنان در معادلات بازدارندگی در مقابل اسرائیل کمک‌کند.

در ادبیات امنیتی اسرائیل در مواجهه با حزب‌الله، «دکترین ضاحیه» طرح شده است. دکترین ضاحیه را نخستین بار گادی آیزنکوت،<sup>۱</sup> ژنرال نظامی رژیم صهیونیستی در اکتبر ۲۰۰۸ یعنی دو سال پس از جنگ ۳۳ روزه مطرح کرد؛ مبنای این دکترین، حمله به مردم غیرنظامی بود تا رفتار بازیگر نظامی، تنظیم و کنترل شود (Eisenkot, 2008)؛ در واقع این دکترین، پیش از طرح، در نبرد ۳۳ روزه در ضاحیه بیروت عملیاتی شده بود؛ تأکید این دکترین در فضای لبنان، به‌طور عمده بر همان ضاحیه استوار است اما برخی تحلیلگران و مقام‌های امنیتی اسرائیل کوشیده‌اند برای مهار حزب‌الله، دکترین ضاحیه را به تمام لبنان تعمیم دهند.

گیورا/ایلاند،<sup>۲</sup> یکی از پژوهشگران مؤسسه امنیت ملی اسرائیل و از ژنرال‌های مطرح ارتش، در مقاله‌ای، به ارائه راهکار برای جلوگیری از جنگ سوم لبنان یا پیروزی در آن در صورت تحقق پرداخت. از نظر ایلاند باید برای دولت و مردم لبنان، روشن شود که جنگ بعدی، میان اسرائیل و حزب‌الله نخواهد بود بلکه این تمام لبنان است که در مقابل اسرائیل قرار می‌گیرد؛ چنین نبردی از نظر ایلاند به نابودی ارتش لبنان، زیرساخت‌های ملی آن و رنج بسیار برای مردم این کشور

1. Gadi Eizenkot

2. Giora Eiland

منجر خواهد شد و دیگر تصویری از مردم لبنان در حالی که ضاحیه تحت حملات اسرائیل است اما آنها به کافه‌ها و ساحل می‌روند، منتشر نخواهد شد (Eiland, 2008: 16)؛ بعدها این راهبرد از سوی مقام‌های دیگر و تحلیلگران صهیونیست نیز تکرار شد به گونه‌ای که /یهود باراک که سابقه مسئولیت وزارت دفاع اسرائیل را داراست، در سال ۲۰۱۲ به صراحت، جدایی (تفکیک) میان حزب‌الله و لبنان در نبرد ۲۰۰۶ را خطایی استراتژیک از سوی اسرائیل معرفی کرد (Sobelman, 2017, 178).

در این نگاه، هر قدر بر مردم لبنان، هزینه‌ای بیشتر تحمیل شود، نه تنها میزان همراهی آنان با حزب‌الله در نبرد آتی این جنبش با اسرائیل کاهش خواهد یافت، بلکه فشارهایی بیشتر از ناحیه افکار عمومی لبنان بر حزب‌الله وارد خواهد شد تا این جنبش، رفتارش را در مقابل اسرائیل تغییر داده، زمینه ثبات و آرامش در لبنان را فراهم سازد. اسرائیل با طرح این اندیشه (ایده) که «حزب‌الله همان لبنان است و لبنان، همان حزب‌الله است» (Abrams, 2018: 2)، در پی تحمیل هزینه به مردم با هدف تغییر در دستگاه محاسباتی، کنش انتخاباتی و نقش‌آفرینی‌های حامیانه آنها از حزب‌الله است تا مشروعیت اجتماعی این جنبش را کاهش دهد.<sup>۱</sup> از نظر مقام‌های اسرائیل، دولت لبنان، صاحب‌خانه حزب‌الله است و باید مسئولیت تمامی اقدام‌های آن را بپذیرد (Malka, 2008)؛ از نظر این مقام‌ها، طرح این‌همانی میان حزب‌الله و لبنان و تکرار و معتبرسازی آن، می‌تواند مشی محافظه‌کاری دولتمردان لبنان را تقویت کرده، قدرت مانور حزب‌الله را در مقابل اسرائیل کاهش دهد.

براین اساس، حزب‌الله به‌منظور تقویت توان بازدارندگی خود در مقابل اسرائیل، ناچار است تا مشروعیت اجتماعی خود را در میان مردم لبنان افزایش دهد تا فرهنگ استراتژیک آنها را با خود همسوتر سازد. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها برای تقویت مشروعیت اجتماعی حزب‌الله، کارآمدی در تأمین نیازهای اساسی آنان (از جمله امنیت) و تصویرسازی ملی از خود در نظر آنهاست. پیروزی حزب‌الله و متحدانش در انتخابات پارلمانی، تاحدی توانست گمانه‌ها در خصوص کاهش محبوبیت حزب‌الله در لبنان را بی‌اعتبار ساخته، از سوی دیگر، ساختار پارلمان را به سود محور مقاومت تغییر دهد؛ این دستاوردها به دلیل اینکه فاصله مردم با حزب‌الله را کاهش داد، امکان کنشگری نظامی اسرائیل در مواجهه با حزب‌الله را نیز تقلیل داده، در نتیجه توان بازدارندگی این جنبش را تقویت کرده‌است؛ در واقع

۱. پس از پیروزی حزب‌الله و متحدانش در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸، نفتالی بنت، وزیر آموزش و پرورش اسرائیل نوشت: «حزب‌الله = لبنان» (Haaretz, May 7, 2018).

هر قدر که موشک‌ها و تسلیحات جدید حزب‌الله در بازدارندگی مجازات‌محور در مقابل اسرائیل مؤثرند، تحکیم پیوند ملت لبنان با حزب‌الله می‌تواند بازدارندگی ممانعتی حزب‌الله را تقویت‌کند چراکه اسرائیل با مشاهده چنین پیوندی، گزینه تهاجم نظامی به حزب‌الله را کم‌اثرتر می‌یابد زیرا حمایت‌های مردمی از حزب‌الله در صورت چنین حمله‌ای از تضعیف این جنبش در داخل جلوگیری می‌کند اما راهکار اسرائیل و متحدانش برای مواجهه با این دستاورد حزب‌الله چیست؟

##### ۵. مواجهه مردم‌پایه اسرائیل و متحدانش با حزب‌الله

همان‌طور که آمد، حزب‌الله با طرح‌هایی در حوزه‌های امنیتی، سیاسی و نظامی، موفق شده‌است، کارآمدی خود را برای بخشی از مردم لبنان به‌اثبات رسانده، به همراه متحدانش، رأی آنان را در انتخابات پارلمانی از آن خود سازد. اسرائیل و متحدانش برای کاهش مشروعیت اجتماعی حزب‌الله و در نتیجه، کاهش توان بازدارندگی آن، به ایجاد اخلال در مسیر کارآمدی‌های حزب‌الله نیازمندند؛ به بیان دیگر، در صورتی که حزب‌الله، جنبشی ناکارآمد و بیگانه نسبت به نیازهای مردم لبنان تصویرسازی شود و حتی حضور آن، محل امنیت و معیشت مردم تلقی شود، برخی از مردم لبنان که اکنون در صف حامیان مستقیم و غیرمستقیم آن جای‌گرفته‌اند، از آن واگرا شده، در عمل، راهبرد مهار و تضعیف حزب‌الله عملیاتی می‌شود.

در حوزه دفاعی و نظامی، به گواه گفته‌های متعدد مقام‌های رژیم صهیونیستی، حرکت حزب‌الله روبه‌جلو است و اسرائیل، جز حملات نقطه‌ای به کاروان‌های حامل تسلیحات برای حزب‌الله در سوریه، اقدامی دیگر انجام نمی‌دهد؛ در حوزه سیاسی نیز، رقیب سنتی حزب‌الله یعنی جریان المستقبل با کاهش معنادار کرسی‌های پارلمانی مواجه شده‌است و حتی با وجود حمایت‌های عربستان، همچون گذشته، توان رقابت با حزب‌الله را دارا نیست (غدار، ۲۰۱۸) لذا اگرچه مطلوب اسرائیل، کاهش کارآمدی سیاسی و نظامی حزب‌الله است، افقی روشن برای رسیدن به این هدف، با شیوه‌های تجربه‌شده پیشین وجود ندارد.

با توجه به تأکید مقام‌های رژیم صهیونیستی مبنی بر ضرورت یکسان‌پنداری حزب‌الله و لبنان، به نظر می‌رسد، گزینه‌ای که در آینده نزدیک با شدتی بیشتر در دستور کار اسرائیل و متحدانش قرار خواهد گرفت، تحریم اقتصادی حزب‌الله است به گونه‌ای که مصائب چنین تحریمی، مردم لبنان را نیز دربرگرفته، آنها را در مقابل دو گزینه مخیرسازد؛ ادامه حمایت از حزب‌الله یا تحریم‌های اقتصادی

بیشتر؟. رئیس پیشین موساد در گفتگو با *روزنامه جزورالم پست* گفته است: «بهتر است به جای استفاده از راهکار نظامی برای شکست دادن جنبش مقاومت حزب الله لبنان، از روش تحریم ضد دولت لبنان استفاده شود زیرا احتمال موفقیت آن، بسیار بیشتر است؛ اگر این اتفاق بیفتد، اقتصاد لبنان فقط سه یا چهار ماه دوام خواهد آورد»؛ این ژنرال بازنشسته، سپس به آمریکا توصیه کرد که دو شرط برای برداشته شدن تحریم ها بگذارد: «حزب الله، سلاح های خود را تحویل دهد یا در ارتش لبنان ادغام شود؛ ایران انشعاب های خود را به طور کامل از لبنان خارج کند» (Jerusalem Post, 2018)؛ پیشنهاد این مقام سابق رژیم صهیونیستی، حداکثری است و به طور مستقیم، مردم لبنان را هدف می گیرد در حالی که آنچه آمریکا سال هاست در دستور کار قرار داده و در پی تشدید آن است، بر حزب الله متمرکز شده اما پیامدهایی معنادار برای مردم لبنان نیز خواهد داشت.

علاوه بر تحریم هایی که در سال ۲۰۱۱ با دستور اجرایی رئیس جمهور وقت آمریکا، باراک اوباما، ضد حزب الله اعمال شد و در سال های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶ با مصوبه کنگره از قدرتی بیشتر بهره مند شد، در اکتبر ۲۰۱۷، چندین لایحه تحریمی از سوی کنگره تصویب شد که در پی قطع شریان مالی حزب الله بود؛ این تحریم ها، ضمن اجرای برنامه هایی برای محدودسازی رسانه ها و نهادهای حزب الله، در حوزه بانکی نیز هرگونه تعامل بانکی از سوی اعضای حزب الله و خانواده هایشان را ممنوع کرده است (عطری، ۱۳۹۶)؛ دولت لبنان به ناچار با این تحریم ها همراه شد.

ریاض سلامه، رئیس وقت بانک مرکزی لبنان در سال ۲۰۱۶ در دستورالعملی به بانک های لبنانی بر لزوم اطاعت کامل از قوانین تحریمی آمریکا درباره حزب الله تأکید کرد؛ با وجود این، تحریم ها با واکنش های منفی مقام های لبنان که برخی از رقبای حزب الله هستند، روبه رو شده است به گونه ای که می توان از این مخالفت ها، آثار سوء تحریم بر اقتصاد لبنان را استنباط کرد. به گفته سلامه، مبنای ثبات در بخش پولی و اقتصادی لبنان، منابع مالی ای است که از لبنانی های مقیم خارج به این کشور وارد می شود و ۱۵ درصد تولید ناخالص ملی این کشور را تشکیل می دهد و باعث می شود لبنان به ارزهای خارجی از جمله دلار دسترسی داشته باشد (CNBC, May 18, 2017)؛ تحریم حزب الله، این منابع مالی را کاهش خواهد داد؛ محمد قبانی از چهره های برجسته جریان المستقبل نیز گفته است که تحریم ها در صورت عملی شدن، فقط مردمی را که حساب های بانکی به دلار دارند، تحت تأثیر قرار خواهد داد (Daily Star, Jul 24, 2017)؛ سعد حریری، نخست وزیر وقت لبنان که رئیس حزب المستقبل است نیز گفت که تحریم های مالی و بانکی آمریکا ضد حزب الله، برای لبنان، ناگوار خواهد بود و وی امیدوار است با همکاری سیاستمداران آمریکایی لایحه را تغییر دهد (Ebrahimian, )

(2017).

دغدغه مقام‌های لبنانی به‌خوبی نشان‌می‌دهد، اگرچه تحریم‌های آمریکا ضد حزب‌الله است، پیامدهای آن بر مردم لبنان نیز وارد می‌شود لذا به‌صورت عملی، چندان فاصله‌ای میان طرح حداکثری پیشنهادی رئیس سابق موساد مبنی بر تحریم لبنان و طرح اعمالی آمریکا مبنی بر تحریم حزب‌الله وجود ندارد، اگرچه شدت آنها متفاوت است؛ چنین رویکردی حتی اگر مدنظر سیاست‌گذاران آمریکایی هم نباشد، زمینه فشار بر اقتصاد لبنان و در نتیجه، معیشت مردم این کشور را فراهم خواهد کرد و در نتیجه، احتمال واگرایی میان بخش‌های مختلف مردم از حزب‌الله را افزایش خواهد داد؛ این طرح می‌تواند خدمات اجتماعی و خیریه‌ای حزب‌الله را تحت تأثیر قرار دهد (العثمین، ۲۰۱۸)؛ در واقع، اقتصاد (جز حوزه خدماتی و خیریه‌ای) در میان کارآمدی‌های شناخته‌شده حزب‌الله برای مردم لبنان نیست، لذا تمرکز رقبا و مخالفان این جنبش بر حوزه مالی و بانکی (حتی اگر بر حوزه تسلیحاتی آن اثرگذار نباشد) می‌تواند تحت شرایطی، حزب‌الله را به‌عنوان عامل اخلاک‌گر در تأمین یکی از نیازهای اصلی و عینی مردم لبنان جلوه‌داده، سایر کارآمدی‌های آن را تحت تأثیر قرار دهد. تاکنون، تحریم‌های اعمالی بر حزب‌الله در حوزه بانکی، شدتی تعیین‌کننده نداشته‌است اما به‌نظر می‌رسد با توجه به رویکردهای نیمه‌سخت و تحریمی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده بر مسئله تحریم حزب‌الله، این روند شدت یابد.

### نتیجه‌گیری

این مقاله کوشیده‌است، نسبتی معنادار میان کارآمدی داخلی و مشروعیت اجتماعی یک بازیگر و بازدارندگی آن در مواجهه با رقبا و متخصصان خارجی برقرار سازد. کارآمدی می‌تواند در روند کسب مشروعیت اجتماعی یک بازیگر، مؤثر بوده، تصویر مردم نسبت به او را سامان‌دهد؛ از سوی دیگر، چنین مشروعیتی می‌تواند فرهنگ استراتژیک مردم را با خط‌مشی محوری بازیگر همسوسازد؛ در نهایت، فرهنگ استراتژیک در جهت‌گیری رفتارهای استراتژیک بازیگر یا در کیفیت آن، مؤثر واقع خواهد شد لذا از آنجاکه بازدارندگی، نوعی رفتار استراتژیک است، کارآمدی می‌تواند همراه با سایر مؤلفه‌های لازم برای سامان‌دهی یک الگوی بازدارندگی، اثرگذار باشد؛ تجربه حزب‌الله لبنان در سه حوزه امنیتی، سیاسی و اجتماعی، نشان‌دهنده چنین رابطه‌ای است؛ کارآمدی این جنبش در تأمین بخشی از نیازهای مردم لبنان از یک سو و تصویرسازی ملی از خود از سوی دیگر، باعث شده، مشروعیت اجتماعی



حزب‌الله که به دلیل ورود به بحران سوریه، تاحدی خدشه‌دار و تردیدآمیز شده‌بود، بازیابی‌شده، ارتقایابد؛ نتایج انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ لبنان تاحدی گویای چنین امری است.

با توجه طرح دکترین‌های «ضاحیه» و سپس توسعه آن به تمام لبنان و یکسان‌پنداری حزب‌الله و لبنان در ادبیات امنیتی اسرائیل، فاصله میان مردم و حزب‌الله با حساسیت ازسوی این رژیم دنبال‌می‌شود؛ درواقع در ادراک نخبگان امنیتی و نظامی اسرائیل، هرگونه مشروعیت حزب‌الله در لبنان، زمینه‌کنشگری فعال‌تر و تقویت‌توان بازدارندگی این جنبش را در مقابل رژیم صهیونیستی فراهم‌می‌سازد؛ درنتیجه در راهبردهای اسرائیل و متحدانش، افزایش فاصله مردم لبنان از حزب‌الله مدنظر قرارگرفته‌است؛ چنین راهبردی برمبنای ناکارآمدنمایی حزب‌الله و تصویرسازی از آن به‌عنوان یک بازیگر هزینه‌زا برای مردم لبنان، در دستور کار است. اعمال تحریم‌های مالی و بانکی بر حزب‌الله ازسوی آمریکا و درخواست تشدید این تحریم‌ها ازسوی اسرائیل به‌گونه‌ای که مردم لبنان را نیز هدف قراردهد، می‌تواند با برجسته‌سازی مسائل اقتصادی و معیشتی، زمینه‌آگرایی مردم از این جنبش را فراهم‌سازد؛ باوجوداین، دست حزب‌الله را در مواجهه با این تحریم‌ها، چندان بسته نیست اگرچه محدودیت‌هایی خواهدداشت.

## منابع

### ۱. منابع فارسی

- بیلینس، جان و جیمز ویرتز (۱۳۸۲)؛ *استراتژی در جهان معاصر؛ مقدمه‌ای بر مطالعات استراتژیک*؛ تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- درخشه، جلال و علیرضا بیگی (۱۳۹۵)؛ «کارآمدی حزب‌الله در دستیابی به مقبولیت اجتماعی و مشروعیت سیاسی»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*؛ سال ششم، ش ۴.
- ساسانیان، سعید (۱۳۹۷)؛ «ارزیابی تغییرات الگوی بازدارندگی حزب‌الله لبنان در برابر رژیم صهیونیستی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی* دوره ۲۱، ش ۷۹.
- سلیمانی‌زاده، داود (۱۳۸۷)؛ *انقلاب اسلامی ایران و احیای هویت دینی شیعیان لبنان*؛ ج ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- شفيعی فر، محمد و مصطفی قربانی (۱۳۹۵)؛ «تعاملات کارآمدی و مشروعیت نظام‌های سیاسی»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*؛ سال سیزدهم، ش ۴۷.
- عبدالله‌خانی، علی (الف ۱۳۸۶)؛ «سه نسل - سه گفتمان در فرهنگ استراتژیک»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*؛ سال دهم، ش ۲.
- عبدالله‌خانی، علی (ب ۱۳۸۶)؛ *فرهنگ استراتژیک*؛ تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)؛ *نظریه‌های امنیت*؛ تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- عطری، زهرا (۱۳۹۶)؛ «تحریم حزب‌الله از سوی آمریکا؛ ابعاد و پیامدها»، *گزارش ۲۰۵۶۵*؛ اندیشکده راهبردی تبیین.
- فریدمن، لارنس (۱۳۹۰)؛ *بازدارندگی*؛ ترجمه عسگر قهرمان‌پور و روح‌الله طالبی آرانسی؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰)؛ *نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای*؛ تهران: نشر میزان.
- لاو، جیمز بی (۱۳۹۶)؛ *خدمات اجتماعی و قدرت نرم؛ خدمات اجتماعی حزب‌الله به‌مثابه یک منبع قدرت*؛ ترجمه ساسان زارع و حسین روزبه؛ تهران: انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع).
- لیپست، سیمور مارتین (۱۳۷۴)؛ «مشروعیت و کارآمدی»، *فرهنگ توسعه*؛ ترجمه رضا زیب؛ ش ۱۸.

## ۲. منابع عربی

- ابراهیم العثیمین (۲۰۱۸)؛ «نحو إستراتيجية دولية لمواجهة إرهاب حزب الله»، *جريدة اليوم*؛ قابل‌بازیابی در: <http://www.alyaum.com/articles/1160585/>
- العرب (۲۴ ژوئن ۲۰۱۵)؛ «مؤسسات حزب الله اللبناني الخيرية واجهة للطائفية المذهبية»؛ قابل‌بازیابی در: <https://alarab.co.uk/> مؤسسات حزب-الله-اللبناني-الخيرية-واجهه-للطائفية-المذهبية
- العلاقات الاعلامية في حزب الله (۲۵ می ۲۰۱۳)؛ «كلمة السيد نصر الله في عيد المقاومة والتحرير»؛ قابل‌بازیابی در: <https://mediarelationslb.org/article.php?id=9234&cid=144#.W38G5bp9jDc>
- المدهون، لؤی و زولیش، راینر (۲۰۰۷)؛ «حزب الله في لبنان - بين الجهاد والعمل الاجتماعي»؛ دویتسه فیله، قابل‌بازیابی در: <https://p.dw.com/p/BduC>
- المصري، عبد الرحمن و کوربای، ألكسندر (۲۰۱۷)؛ «حزب الله وصعوده من جديد في لبنان»؛ مؤسسه کارنیگی للسلام الدولي؛ قابل‌بازیابی در: <https://carnegieendowment.org/sada/72857?lang=ar>
- عبدالعاطی، محمد (۲۰۰۴)؛ «حزب الله.. النشأة والتطور»، *الجزيرة*؛ قابل‌بازیابی در: <http://www.aljazeera.net/specialfiles/pages/25305d60-53cc-4cc4-aae0-64eb71384ae3>
- غدار، حنین (۲۰۱۸)، «ماذا يعني فوز «حزب الله» في الانتخابات بالنسبة إلى لبنان؟»، معهد واشنطن، قابل‌بازیابی در: <https://www.washingtoninstitute.org/ar/policy-analysis/view/what-does-hezbollahs-election-victory-mean-for-lebanon>
- مركز المسبار للدراسات والبحوث (۲۰۱۵)، الإسلاميون والعمق الاجتماعي في العالم العربي وتركيا، دبي.
- مركز العربي للأبحاث ودراسة السياسات (۲۰۱۸)، «المؤشر العربي ۲۰۱۸/۲۰۱۷»، قابل‌بازیابی در:

<https://www.dohainstitute.org/ar/ResearchAndStudies/Pages/Arab-Index2017-2018-FullReport.aspx>

### ۳. منابع انگلیسی

- Abrams, Elliott (2018). "What's Next For Lebanon? Stability and Security Challenges", Council on Foreign Relations, Available at: [https://www.foreign.senate.gov/imo/media/doc/032118\\_Abrams\\_Testimony.pdf](https://www.foreign.senate.gov/imo/media/doc/032118_Abrams_Testimony.pdf)
- Alagha, Joseph Elie (2006). The Shifts in Hizbullah's Ideology, Amsterdam University Press.
- Choucair, Chafic (2016). "Hezbollah in Syria: Gains, Losses and Changes", Al Jazeera Center for Studies, Available at: <http://studies.aljazeera.net/en/reports/2016/06/hezbollah-syria-gains-losses-160601093443171.html>
- CNBC (May 18, 2017). "Maintaining fiscal stability in Lebanon a 'dance with wolves', says central bank governor", Available at: <https://www.cnbc.com/2017/05/18/maintaining-fiscal-stability-in-lebanon-a-dance-with-wolves-says-central-bank-governor.html>
- Daily Star (Jul 24, 2017). "High expectations for Hariri-Trump meet", Available at: <http://www.dailystar.com.lb/News/Lebanon-News/2017/Jul-24/413768-high-expectations-for-hariri-trump-meet.ashx>
- Drake, Bruce (2013). "Beirut bombings follow fears of Syrian war fallout", Pew Research Center, Available at: <http://www.pewresearch.org/fact-tank/2013/11/19/beirut-bombings-follow-fears-of-syrian-war-fallout/>
- Ebrahimian, Bethany Allen (2017). "Lebanese Lawmakers Lobbied U.S. Officials to Soften Hezbollah Sanctions", Foreign Policy Available at: <http://foreignpolicy.com/2017/06/02/lebanese-lawmakers-lobbied-u-s-officials-to-soften-hezbollah-sanctions/>
- Eiland, Giora (2008). "The Third Lebanon War: Target Lebanon", Strategic Assessment, Vol. 11, No. 2.

- Eisenkot, Gadi (2008). "Israel warns Hizbullah war would invite destruction", Ynetnews, Available at: <https://www.ynetnews.com/articles/0,7340,L-3604893,00.html>
- Gray, Colin S. (1991). "Strategic Culture as Context: the First Generation of Theory Strike?", *Review of International Studies*, Vol. 25, No. 1.
- Haaretz (May 7, 2018). "Hezbollah = Lebanon, Israeli Minister Blasts on Twitter After Lebanese Elections", Available at: <https://www.haaretz.com/middle-east-news/hezbollah-lebanon-israeli-minister-blasts-on-twitter-1.6069563>
- Jerusalem Post (2018). "Former Mossad chief reveals revolutionary plan for defeating Hezbollah", Available at: [https://www.jpost.com/Israel-News/Former-Mossad-chief-reveals-revolutionary-plan-for-defeating-Hezbollah-565086?utm\\_source=dlvr.it&utm\\_medium=twitter](https://www.jpost.com/Israel-News/Former-Mossad-chief-reveals-revolutionary-plan-for-defeating-Hezbollah-565086?utm_source=dlvr.it&utm_medium=twitter)
- Jones, David R. (1990). "Soviet Strategic Culture", Strategic Power London: Palgrave Macmillan.
- Kocs, Stephan A. (1994). "Explaining the Strategic Behavior of States: International Law as System Structur", *International Studies Quarterly*, Vol. 38, No. 4.
- Kurian, George Thomas (2011). *The Encyclopedia of Political Science*, Volume 3, Washington D.C: CQ Press, Division of SAGE.
- Lefèvre, Raphaël (2018). "The Sociopolitical Undercurrent of Lebanon's Salafi Militancy", Carnegie Middle East Center, Available at: <https://carnegie-mec.org/2018/03/27/sociopolitical-undercurrent-of-lebanon-s-salafi-militancy-pub-75744>
- Lob, Eric (2014). "Is Hezbollah Confronting a Crisis of Popular Legitimacy?", Brandeis University, Crown Center for Middle East Studies.
- Malka, Amos (2008). "Israel and Asymmetrical Deterrence", *Comparative Strategy*, V. 27, N, 1.

- Pew Research Center (2010). "Muslim Publics Divided on Hamas and Hezbollah", Available at: <http://www.pewglobal.org/2010/12/02/muslims-around-the-world-divided-on-hamas-and-hezbollah/>
- Pew Research Center (2014). "Views of Hezbollah", Available at: <http://www.pewglobal.org/2014/07/01/concerns-about-islamic-extremism-on-the-rise-in-middle-east/pg-2014-07-01-islamic-extremism-06/>
- Qassem, Naim (2005). Hizbullah: The Story from Within, Translated by Dalia Khalil, London: Saqi Books.
- Salem, Paul (2012). "Can Lebanon Survive the Syrian Crisis?", Carnegie Middle East Center, Available at: <https://carnegie-mec.org/2012/12/11/can-lebanon-survive-syrian-crisis-pub-50298>
- Shebaya, Halim (2017). "Where do Lebanon's Christians stand on Hezbollah?", Al Jazeera, Available at: <https://www.aljazeera.com/indepth/opinion/lebanon-christians-stand-hezbollah-171128102446572.html>
- Skemperis, Georgios (2003). "Strategic Culture in Post-war Europe", Maxwell School of Citizenship and Public Affairs Syracuse University, available at: <https://www.files.ethz.ch/isn/26508/PN05.01.pdf>
- Sobelman, Daniel (2017), "Learning to Deter: Deterrence Failure and Success in the Israel-Hezbollah Conflict, 2006–16", International Security, Vol. 41, No. 3
- Szekely, Ora (2012). "Hezbollah's Survival: Resources and Relationships", Middle East Policy , V. 19, N. 4.
- Tokmajyan, Armenak (2014). "Hezbollah's Military Intervention in Syria", Approaching Religion, Vol. 4, No. 2
- Wirtz, James. J (2004), "Disarmament, Deterrence and Denial", Comparative Strategy, Vol 24.